

کلاغ پر، سینما پر



کلاغ پر! احساس پر!

باز هم باید به عقب برگردیم، خیلی عقب‌تر، زمانی که کودکی عروسک به دست بودیم، عروسک‌مان گویی تمام دنیایمان بود که اگر آن‌را از دست می‌دادیم، فریادمان گوش فلک را کر می‌کرد، اما خیلی زود با دین عروسکی دیگر آرام می‌گرفتیم و راضی می‌شدیم. یادش به‌خیر دل کودکانمان چه ساده‌لوحانه به بازی گرفته می‌شد، درست مثل امروز که شاهد به بازی گرفتن احساس کودک درونمان رویه‌روی پرده جادویی هستیم. کلاغ پر ادامه دارد.

کلاغ پر!... صداقت پر!

رضا با رؤیا رویه‌روی می‌شود، رؤیا که دیگر تمایلی به ادامه نامزدی‌اش با مسعود ندارد، از رضا می‌خواهد که زندگی را با هم شروع کنند، اما این‌بار رضا جواب مثبت نمی‌دهد، از طرفی دلش هم برای رؤیا می‌سوزد؛ رؤیایی که زمانی عاشقش بوده ولی حالا هیچ حسی به او ندارد و شاید هم کمی حس مسئولیت که آن‌را هم با فرستادن نامه‌ای به رؤیا برطرف می‌کنند...

کلاغ پر، همه چیز پر!

بهتر است، سری هم به ذهن تماشاگر بزنیم، او چه فیلمی دیده است؟! فیلمی فارسی با روایت هندی؟ فیلمی با تم عشق یا کمی هم خیانت! ژانر تراژدی! کم‌دی یا درام؟! نمی‌داند، گیج شده است. باید فکر کند، باید به جایی برسد، باید مزمزه کند. تا به حال که هیچ حس خوبی به او دست نداده است. مژه‌ها به هم آمیخته شده‌اند، چیزی شبیه به آتش شله‌قلمکار، شاید هم نه! شوربایی جانفشارده! نمی‌داند، مژه غذا به ذائقه‌اش جور در نمی‌آید، فقط می‌داند مفاهیم قبلاً تعریف دیگری در ذهنش داشته‌اند، ولی با دیدن فیلم واژه‌ها پر زدند، رفتند! کجا رفتند؟ باید فکر کند... کلاغ پر... سینما پر!

و حالا کلاغ پر...

رضا جوان عاشق‌پیشه بعد از مدت‌ها موفق به پیدا کردن کار می‌شود و با هیجان زیاد خبر آن را به نامزدش رؤیا می‌دهد؛ ولی رؤیا با برخوردی سرد که برای رضا غیرمنتظره است خبر نامزدی جدیدش را به او می‌دهد. رضا اعتراض می‌کند و رؤیا غیبت طولانی او و اصرارهای مادرش را بهانه می‌آورد.

تا اینجا داستان که بسیار ضدکلیشه از آب درآمد است؛ شروع یک نامزدی جدید در حین نامزدی قبلی! در ادامه داستان، مسابقه خوش‌بخت‌شدن فیلم به اوج می‌رسد. پس ذائقه‌ها باید تحریک و تبدیل شوند، اما چگونه؟ خیلی راحت! رؤیا از رضا می‌خواهد که منتظرش بماند، چون او سعی خواهد کرد با گرفتن یک بهانه از نامزد جدیدش به نامزدی قبلی برگردد!

انگار به راستی فیلم‌ساز قصد دارد به طور جدی ذائقه را تغییر دهد؛ اما چگونه و به چه قیمتی؟! ذائقه‌ای که تدریجاً تبدیل به عادت و عرف خواهد شد، و از همه مهم‌تر، بلافاصله بعد از اکران فیلم الگوی جوانان می‌شود، عشقی که به بازی گرفته می‌شود، تعهدی که زیر سؤال می‌رود، پیمانی که پایمال می‌شود، رابطه‌ای که چند سویه می‌شود و... باز هم نمی‌دانیم، شاید برای خوش‌بخت‌شدن یک فیلم همه این فاکتورها لازم است!

کلاغ پر! حیا و حریم، پر!

رضا در پی نامزدش می‌رود و می‌کوشد با ایجاد مزاحمت و همراهی سایه‌به‌سایه با رؤیا مانع از ایجاد رابطه صمیمی او با نامزد جدیدش گردد و... کلاغ پر ادامه دارد. در کلاغ پر نه از رعایت بسیاری از ابتدایی‌ترین اصول فیلم‌سازی خبری هست و نه از احترام به شعور مخاطب نکته‌سنج و نه توجه به فرهنگ کشوری که ماجراها در دل آن قضا می‌گذرد و نه حتی... بگذریم، مهم مساله گیشه است و پولی که مخاطب برای بلیطی که می‌خرد به کیسه ما می‌ریزد و البته شهرت و کلی قضایای دیگر.

این که تماشاگر برای پولی که داده و وقتی که تلف کرده چه چیزی به دست آورده اصلاً مهم نیست حتی اگر به قیمت شکستن بسیاری از حریم‌ها و حرمت‌ها باشد.



مواد لازم برای تهیه یک فیلم open و پرفروش:

سوپراستار: دو عدد؛ استار: دو عدد یا بیشتر با چاشنی عشق، بیش از میزان لازم؛ ادا و اطوار: به مقدار لازم.

طرز تهیه:

ابتدا با توجه به داستان، یک مثلث یا مربع عشقی ایجاد کرده و مواد لازم را به ترتیب به آن اضافه می‌کنیم. بعد از مدت کوتاهی فیلم ما آماده است! به همین سادگی و به همین خوشمزگی!

کلاغ پر هم به همین راحتی کلید خورده. بهتر است کمی به عقب برگردیم؛ به خاطرات کودکی، زمانی که کلاغ پر بازی می‌کردیم. وقتی در حین بازی یکی می‌باخت، باید خم می‌شد و ما با دست به شانه‌هایش می‌زدیم و می‌خواندیم: «تاب تاب خمیر، شیشه پر پنیر، دست کی بالا؟!». و حالا بزرگ شدیم، باز هم بازی می‌کنیم، این بار هم کلاغ پر، دست کی بالا؟! نمی‌دانیم، فعلاً که دست هیچ کس بالا نیست! شاید هم دست کسی بالاست که بتواند با این مواد، فیلمی خوش‌بخت بیزد! ظاهراً که همه چیز از مواد لازم عالی، چاشنی و بقیه مواد، آماده بوده؛ پس چرا این بار حسابمان غلط از کار درآمد؟ چرا شکل غذا اشتهابرانگیز نیست؟ چرا اشتهاهای ما را تحریک نمی‌کند؟ چرا طعم آن به مذاقمان خوش نمی‌آید؟ اشکال در کجاست؟

کمی به عقب برمی‌گردیم زمانی که بهروز افخمی «عروس» را ساخت. سال‌ها گذشته ولی امروز با شنیدن نام این فیلم خاطراتی شیرین برایمان مجسم می‌شود. فیلم خوش‌ساخت عروس در آن زمان، به نوعی سلیقه و ذائقه مخاطب را تغییر داد؛ سلیقه‌ای که تا چند سال پیش از این به دیدن فیلم‌های همراه چاشنی عشق کمتر عادت کرده بود. بعد از عروس، فیلم‌ها یکی پس از دیگری با چاشنی‌های متنوع و رنگارنگ عشق برای تحریک بیشتر و تغییر سلیقه مخاطبان، گوی سبقت را از یکدیگر ربودند.

